

جذابیت در سینماست. به عنوان مثال، بسیاری از معتبرترین نشریات و مراکز رسانه‌ای، فیلمی چون «در میان ستارگان» را (به کارگردانی کریستوفر نولان و بازی متیو مک‌کانهی، آن هتوی و... محصول سال ۲۰۱۴ آمریکا) در بین فیلم‌های علمی و فضایی در رأس فهرست خود قرار می‌دهند. اما نقطه اوج این داستان وقتی است که قهرمان فیلم در یک سیاه چاله سقوط کرده و در زمان به عقب باز می‌گردد! یعنی کاری نداریم چطور ممکن است یک انسان هنگام سقوط در سیاه چاله‌هایی که می‌توانند صدها هزار ستاره غول پیکر را درسته قورت بدهند، زنده می‌ماند، اما دیگر «توقف زمان» در سیاه چاله‌ها چه ربطی به بازگشت زمان دارد؟! حتی در فیلم‌هایی چون «جاذبه» (گراویتی به کارگردانی آلفونسو کوآرون و محصول سال ۲۰۱۳) نیز غیر از تخیلات قوی یک فیلمنامه نویس و تکنیک‌های موفق بخش جلوه‌های ویژه، با واقعیت‌های علمی خاصی مواجه نیستیم، غیر از یک مشت تکرار ادعاهای مهمل و بدون دلیل! (در مورد منشأ انسان و آینده هولناک او...) و گرنه در آثاری چون «پیش‌تازان فضا» و «جنگ ستارگان» و «نگهبانان کهکشان» و... حجم مهملات و مزخرفات شبهه علمی سر به فلک آندرومدا می‌زند!

جمع‌بندی:

گذشته از اینکه دیدیم ۱- روابط متقابل سینما و صنعت (و از آنجا به علم و تکنولوژی و توسعه) چقدر عمیق است و ۲- چرا نگاه و ارزیابی ما از علوم تجربی خودش نمی‌تواند از جنس گزاره‌های فیزیکی و شیمیایی باشد (بلکه این عقلانیت ماست که در این مورد قضاوت می‌کند و در مورد «عبرت» گرفتن از تجربیات، به تعبیر قرآن کریم، تصمیم می‌گیرد) ۳- و اشاره کردیم که سینما به عنوان «تصاویر متحرک» (از هر جنسی که باشند) چطور جای فلسفه را گرفته. اگرچه در بخش عمده‌ای از تولیدات خود سفسطه‌گری می‌کند و در خدمت سؤفست‌پان نوظهور قرار گرفته است و ۴- ریشه‌های جریان علم‌زدگی افراطی معاصر به کجا بازمی‌گردد و چطور در سینما به اوج می‌رسد... ۵- ملاحظه می‌کنیم که سوءاستفاده سینمای موسوم به ژانر علمی (یا علمی-تخیلی) به مراتب بیشتر و جدی‌تر از موضوع «بازتاب علوم تجربی» در این سینماست. ۶- سینمایی که به کمک علم‌زدگی افراطی صبح تا شب باورهای غیرعلمی و حتی ضدعلمی خود را به خورد مخاطب داده و چیزهایی را (از رد علیت گرفته تا فرض وجود دور و تسلسل در آن و...) به کمک این ابزار با نفوذ، بدیهی و عادی جلوه می‌دهد که هیچگاه سینماگران‌شان نتوانسته‌اند در جایی غیر از پرده عریض سینما اثبات‌شان کنند و در موردشان این همه مانور بدهند! ۷- اکثر قریب به اتفاق آثار سینمای غربی و مخصوصاً هالیوودی، به نوعی با موضوع توسعه یافتگی برخورد می‌کنند که انگار برعکس کشورهای جهان سوم، این موضوع در آن کشورها به هیچ‌گویی خاصی نیاز ندارد. یعنی این موضوع قطعی است که فاصله بین کشورهای توسعه یافته و عقب مانده همچنان باقی خواهد ماند. ۸- حال اینها ظاهراً فقط نگران وقوع حتمی جنگ‌های اتمی آینده‌ای هستند که زمین را از بین می‌برد (اگرچه یک عده زنده می‌مانند و از نو شروع می‌کنند) یا بیگانگانی که با

سفینه‌های فوق پیشرفته‌شان از فضا خواهند آمد و مثل کریستف کلمب کره زمین را کشف و نسل انسان‌ها را منقرض می‌کنند. (یعنی حتی خودشان نیز اعتراف می‌کنند آینده توسعه یافتگی، سقوط و فروپاشی و نابودی است، پس لازم نیست نگران اتفاقی باشیم که اگر هم دیر یا زود روی بدهد، کاملاً طبیعی و بدیهی است. پس لازم نیست چیزی را در امروز تغییر بدیم! پس لازم نیست از خوی جنگ ستیزی خود دست برداریم یا به آن اعتراضی کنیم! و...)

۹- نمونه آثاری چون «عملیات مریخ» (ساخته بالیوود هند و داستان پرتاب یک موشک به مدار مریخ... که فرصت نشد از آن بحث کنیم) شاید از نظر تلاش برای ارائه الگوهای بومی و ملی موفق بوده و توانسته باشد زنگ تفریح کوتاهی را در بین کلاس‌های فشرده تدریس «خودکم بینی و ناامیدی» هالیوود برای تمام ملت‌های جهان فراهم کند (کشورها و ملت‌هایی که حتی موجودات و تمدن‌های فضایی نیز اطلاع دارند نخودی و ول معطل هستند و این آمریکا و غرب است که طرف حساب اصلی است!) اما در این شب تیره جایی را برای آویختن قباي زنده خود نخواهند یافت!

۱۰- امیدواریم مجموعه این نکات توانسته باشد ضرورت بازنگری بر پیش‌فرض‌ها و کلیشه‌های مندرس و غلط چنین سینمایی را یادآور شود. سینمایی که می‌خواهد ادعا کند تمام کهکشان‌ها را واریسی کرده است و نشانه‌ای از مصادیق بنیادین ادیان آسمانی نیافته است! یعنی اتفاقاً چنین سینمایی پیش و بیش از اینکه چقدر علمی باشد یا نباشد، تا خرخره ایدئولوژیک است. اگرچه این ایدئولوژی چیزی غیر از تلاش برای ایدئولوژی‌ستیزی (در هر شکلی) نباشد... که خودش متناقض‌ترین و مضحک‌ترین باید و نباید هاست!



امیدواریم مجموعه این نکات توانسته باشد ضرورت بازنگری بر پیش‌فرض‌ها و کلیشه‌های مندرس و غلط چنین سینمایی را یادآور شود. سینمایی که می‌خواهد ادعا کند تمام کهکشان‌ها را واریسی کرده است و نشانه‌ای از مصادیق بنیادین ادیان آسمانی نیافته است! یعنی اتفاقاً چنین سینمایی پیش و بیش از اینکه چقدر علمی باشد یا نباشد، تا خرخره ایدئولوژیک است